

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه‌ی بحث گذشته

محقق حائری در بیان اول خویش فرمودند اصلاً مسئله‌ی قصد امر مطرح نیست و همین که مکلف عملش را اظهاراً للعبودیة بیاورد در عبادیت عمل کافی است. اما بیان دوم ایشان این است که قصد امر جزء مأمور به است لکن برای تحقق آن از راه وجوب للغير وارد می‌شویم. وجوب للغير جعل استقلالی دارد. اما وجوب غیری یک وجوب ترشعی است. محقق بروجردی در اشکال بر تصویر دوم محقق حائری می‌فرماید ظاهر ادله این است که فعل باید به داعی الهی انجام شود و ترکیب عدم دواعی نفسانی و داعی الهی در ادله نیامده است. به نظر می‌رسد اشکال محقق بروجردی وارد نیست. ایشان در بحث فقه خویش قائل شده‌اند که در ادله و اخبار چیزی نیست که دلالت کند بر اینکه باید عمل را به داعی امر انجام داد، بلکه آنچه در روایات وارد شده است همین مطلبی است که محقق حائری به آن اشاره فرموده‌اند. مرحوم والد ما چند اشکال بر بیان دوم محقق حائری وارد کرده‌اند. ایشان در اشکال اول خویش فرموده است لازمه‌ی کلام محقق حائری این است که صلاة واجب للغير باشد و این خلاف ارتکاز متشرعه است. در جواب از این اشکال باید گفت منافاتی ندارد در عین حالی که نماز از یک جهت، یعنی نسبت به اعمال دیگر واجب نفسی لنفسه است از جهت دیگر، یعنی در نسبت با اجزاء خودش واجب نفسی للغير باشد.

اشکال دوم مرحوم والد بر بیان دوم محقق حائری

ایشان در اشکال دوم خویش بر محقق حائری می‌فرماید:

اشکال دوم: این اشکال بر اساس مبنای خود ما بر مرحوم حائری وارد است. ما داعویت امر را به‌طور کلی انکار کردیم ولی مرحوم حائری در مقام تصحیح مسأله داعویت امر است. ما گفتیم: داعویت امر، واقعیت ندارد، آنچه انسان را به‌سوی انجام مأمور به تحریک می‌کند، عبارت از اموری است که بر حسب اعتقادات عبادت‌کننده و بر حسب مراتب عبودیت او، در نفس او رسوخ دارد. حتی در موالی عرفیه هم همین‌طور است. عبدی از مولای خودش اطاعت می‌کند چون می‌بیند اگر اطاعت نکند تنبیه خواهد شد، دیگری اطاعت می‌کند چون می‌بیند در صورت اطاعت، مولا رسیدگی بیشتری به او خواهد کرد. دیگری اطاعت می‌کند، چون به مولا علاقه دارد و حقوقی از مولا به گردن خودش احساس می‌کند. ولی در مورد خداوند، مراتب بالاتری هم تصوّر می‌شود. [1]

بیان دوم محقق حائری مبتنی بر این است که امر داعویت داشته باشد و حال آنکه ما معتقدیم امر بما هو امر هیچ داعیتی ندارد. این نظر مرحوم والد ما رضوان الله علیه به تبع استادشان محقق بروجردی است که فرمایش ایشان را بعداً نقل خواهیم کرد. آیت الله فاضل لنکرانی می‌فرماید ما معتقدیم آنکه داعی برای فعل عبد است اموری نفسانی، قلبی و اعتقادی است که عبد نسبت به مولای خودش دارد. امر بما هو امر داعی نیست. این اشکال، یک اشکال مبنایی است که بعداً هنگام نقل کلام محقق بروجردی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اشکال سوم مرحوم والد بر بیان دوم محقق حائری

ایشان در اشکال سوم خود بر بیان دوم محقق حائری می‌فرماید:

اشکال سوم: مرحوم حائری مسأله داعویت امر نسبت به داعویت امر را دارای اشکال دانستند درحالی‌که همان اشکال بر خود ایشان نیز وارد است. بیان مطلب: مرحوم حائری مأمور به را - روی حساب جزئیت - عبارت از صلاة و نبودن دواعی غیر الهی می‌داند. معنای این حرف این است که هم صلاة باید به داعی امر للغیرش انجام شود و هم نبودن دواعی غیر الهی باید در ردیف صلاة واقع شود و به داعی امر للغیر باشد. شما می‌گویید: انجام دادن صلاة به داعی امر للغیرش مانعی ندارد زیرا امر، در ظرف تحقق امتثال وجود دارد، در این صورت باید نبودن دواعی غیر الهی هم به داعی امر باشد، درحالی‌که این مسئله، اگر معقول هم باشد، [2] هیچ ضرورتی ندارد. آنچه لازم است این است که انسان - با قطع نظر از اشکالی که مطرح کردیم - نماز را به داعی امر متعلق به نماز انجام دهد. بنابراین بر فرض که ما از حرف خودمان در ارتباط با داعی الامر صرف نظر کنیم باز هم اشکال سوم به ایشان وارد است. [3]

مرحوم آخوند بعد از اینکه تمام وجوه استحاله را بررسی و مورد نقد قرار می‌دهد در نهایت بر روی این محذور تکیه می‌کند که اگر قصد امر جزء متعلق باشد، لازم می‌آید که امر داعی و محرک به خودش باشد و این محال است. مرحوم والد در اشکال بر محقق حائری می‌فرماید بنا بر فرمایش شما، داعی امر مطلوب نهایی مولا است و لذا همین محذور محرکیه الشیء إلى محرکیه نفسه پیش خواهد آمد.

جواب از اشکال سوم

این اشکال از ایشان مایه‌ی تعجب است که با تقریری که خود ایشان از کلام محقق حائری بیان فرمودند سازگار نیست. محقق حائری تلاش کردند راهی را معرفی کنند که قصد امر را جزء متعلق قرار ندهند در عین حالی که در امتثال وجود دارد. ایشان فرمود عدم دواعی نفسانی و قصد امر در عالم خارج با یکدیگر ملازمه دارند. پس وقتی مولا می‌فرماید نماز را با عدم دواعی نفسانیه اتیان کن به این معناست که به داعی امر امتثال شود. عدم دواعی نفسانی وجوب للغیر دارد و مراد از غیر همان مطلوب نهایی مولا است. مطلوب نهایی مولا این است که داعی امر اتیان شود ولی جزء متعلق امر نباشد. وقتی داعی امر مأمور به نشد دیگر اشکال محرکیه شئی إلى محرکیه نفسه پیش نخواهد آمد.

تحقیق نهایی در کلام محقق حائری

مجموعاً چهار اشکال به بیان دوم محقق حائری وارد شده است که یک اشکال از محقق بروجردی و سه اشکال از مرحوم والد است. به ذهن می‌رسد هیچ کدام از این اشکالات وارد نیست. اما اشکالی که به نظر می‌رسد بر محقق حائری وارد است اینکه تصویری که ایشان مطرح کرده‌اند ثبوتاً درست است و مولا ثبوتاً می‌تواند صلاة را با عدم دواعی نفسانیه به عنوان واجب للغیر قرار دهد، ولی در مقام اثبات، چه دلیلی بر این مطلب وجود دارد؟ محقق بروجردی در اشکال خویش فرمود وقتی به ادله مراجعه می‌کنیم می‌بینیم این ادله دلالت می‌کنند که مکلف باید نماز را به داعی امر انجام دهد و لکن این اشکال قابل پذیرش نیست چون چنین دلیلی، همان طور که خود ایشان در مباحث فقهی صلاة فرمودند، وجود ندارد و آنچه در روایات آمده این است که نماز به صورت ریائی و با قهقهه و همراه با اکل و شرب نباشد، اما اینکه روایتی گفته باشد نماز را به داعی امر انجام دهید وجود ندارد.

به حسب ظاهر ادله نماز مقید به عدم دواعی نفسانیه است و ما حق را به محقق حائری می‌دهیم ولی به ایشان می‌گوییم این وجوب للغیر را از کجا اثبات می‌کنید؟ بنابراین اشکال اول این است که فرمایش ایشان ثبوتاً درست است اما اثباتاً دلیلی وجود ندارد که صلاة با عدم دواعی نفسانیه وجوب للغیر دارد و این مجرد احتمال است. اما اشکال دوم این است که چه دلیلی وجود دارد بر اینکه عدم دواعی نفسانیه با داعی امر ملازمه دارد؟ عدم دواعی نفسانیه با همان اظهار عظمة المولی و حبّ به مولا سازگاری دارد، همچنان که با انجام عمل برای مصلحتی که در آن است نیز مناسب است، اما اینکه گفته شود اگر نفس خالی از دواعی نفسانیه شود، حتماً داعی امر جای آن را می‌گیرد، این ملازمه را قبول نداریم.

وقتی در عالم خارج، مکلف نماز می‌خواند در ارتکاز متشرعه این است که نماز را به قصد امتثال خدا به جا می‌آورد. چه کسی است که نماز را به قصد عدم دواعی نفسانیه اتیان کند؟ بله! در روایات و ادله دلالت بر عدم دواعی نفسانیه وجود دارد و در روایت وارد نشده است که نماز به قصد امر را اتیان کن. حتی به قول مرحوم آخوند چنین دلیلی به عنوان امر دوم هم وجود ندارد. البته در اینجا باید راجع به معیار عبادیت بحث شود و تا به حال بنا بر قول مشهور اصولیان عبادت را به معنای عمل به قصد امتثال امر مطرح کرده‌ایم. سوال این است که این معیاری که محقق حائری برای عبادیت مطرح کرده‌اند چه دلیلی دارد؟ ایشان در بیان اول خود فرمود اگر نماز برای اظهار عظمت مولا یا برای حب به مولا اتیان شود کافی در عبادیت عمل است. لذا این مطلب که داعی امر را مقوم برای عبادیت قرار دهیم را منکریم. و بعد از این می‌گوییم ولو بپذیریم که داعی امر مقوم عبادیت است و لکن این مطلب که بین داعی امر و خلو نفس از دواعی نفسانیه ملازمه برقرار کنیم ثابت نیست.

یکی از فواید مهمی که بر این بحث علمی مترتب است اینکه بفهمیم اصلاً حقیقت عبادیت چیست. آیا برای عبادیت عمل حتماً باید آن عمل را به قصد امر اتیان کرد؟ به نظر می‌رسد در ارتکاز متشرعه چنین چیزی وجود ندارد، بلکه مکلف هنگام عمل می‌گوید برای خدا می‌خوانم. در اینجا همان طور که گفته شد محقق بروجردی هم تحقیقی دارند که مطرح خواهد شد.

تفسیر میرزای شیرازی از عبادیت برای تفصیلی از استحاله

محقق نائینی می‌فرماید تمام نزاع‌ها از استحاله‌ای اخذ قصد امر در متعلق شروع شده است. لذا برای تفصیلی از استحاله، ایشان سه راه از دیگران نقل کرده و سپس همگی را رد می‌کنند. اولین راهی که پیشنهاد شده است منسوب به میرزای شیرازی است و مهم است که ببینیم آیا این مطلب همان راهی است که محقق حائری بیان کرده‌اند یا راه دیگری است. [4] محقق نائینی در تبیین طریق منسوب به میرزای شیرازی می‌فرماید:

فيقع الأشكال ح في كَيْفِيَّة اعتبار ما يكون به العبادة عبادة، و لهم في التَّفْصِي عن هذا الأشكال وجوه:

الوجه الأول:

ما نسب إلى الميرزا الشيرازي قده و حاصله: أنَّ العباديَّة انما هي كَيْفِيَّة في المأمور به و عنوان له، و يكون قصد الأمر، أو الوجه، أو غير ذلك، من المحققات لذلك العنوان و محصلاً له، من دون ان يكون ذلك متعلقاً للأمر، و لا مأخوذاً في المأمور به. و بالجملة: العبادة كما فسرتها في أوّل العنوان، هي عبارة عن الوظيفة التي شرعت لأجل ان يتعبّد العبد بها، فالصلاة المأتي بها بعنوان التّعبد و إظهاراً للعبودية هي المأمور بها، و الأمر بها على هذا الوجه بمكان من الإمكان، و المكلف يتمكن من إتيان الصلاة كذلك، بان يأتي بالصلاة إظهاراً للعبودية. و حينئذ فللمكلف ان يأتي بالصلاة على هذا الوجه، من دون ان يقصد الأمر، و لا الجهة، و لا غيرهما من الدواعي، فتقع عبادة. و له ان يأتي بها بداعي الأمر أو الجهة، و يكون ذلك محققاً لعنوان العبادة في الصلاة و محصلاً لها، من دون ان يتعلّق امر بتلك الدواعي أصلاً، إذ ليس حصول العبادة منحصرًا بتلك الدواعي، حتّى نقول: لا بدّ من تعلّق الأمر بها، بل عباديَّة العبادة انما هي امر آخر وراء تلك الدواعي، و ذلك الأمر الآخر عنوان للمأمور به و كَيْفِيَّة له يمكن تعلّق إرادة الفاعل به، غايته ان بتلك الدواعي أيضاً يمكن تحقّق العنوان هذا. [5]

بحث در اینجا به این سمت رفته است که ملاک در عبادیت چیست. راه اول این است که عبادیت کیفیتی است برای فعل انسان و عنوانی است که قصد امر محقق آن عنوان است، اما متعلق امر و مأخوذ در مأمور به نیست. عبادت یعنی خدا فعلی را جعل کرده است که به وسیله‌ی آن او را بپرستند. نماز برای این است که مکلف با آن خدا را پرستش کند، اما دفن مؤمن از این سنخ نیست. آیا شارع می‌تواند بگوید نماز را إظهاراً للعبودية اتیان کن؟ جواب مثبت است. بنابراین هم جعل ممکن است و هم امتثال. شارع در مقام جعل می‌فرماید فعل را برای اظهار عظمت من انجام بده و در مقام امتثال هم به همین نحو امتثال خواهد شد، بدون اینکه قصد امر در متعلق اخذ شود. بنا بر این وجه، قصد امر محقق عنوان عبادیت خواهد بود.

فرق این وجه با کلام محقق حائری این است که قصد امر از نظر محقق حائری اصلاً لازم نیست، ولی با معنای عبادت در این وجه مشترک است، یعنی عبادیت آن است که عبد به وسیله‌ی آن متعبّد شود. این تعبیر کجا و امتثال به قصد امر کجا؟ تعبیر به ما يتعبّد العبد به بسیار زیباست. لکن محقق حائری قصد امر را کنار گذاشته است اما در قول منسوب به میرزا، قصد امر در مقام امتثال محقق عنوان عبادیت دانسته شده است.

اشکال محقق نائینی بر این وجه

محقق نائینی در اشکال بر این وجه می‌فرماید:

و لكن هذا الوجه ممّا ينبغي القطع بعدمه، لوضوح أنّ الملاك في العباديّة أنّما هو فعلها بأحد الدّواعي القريبة كما يدل عليه الأخبار، فلو أتى بالفعل لا بأحد تلك الدّواعي تبطل، كما أنّه لو أتى بها بأحد تلك الدّواعي تصح و لو فرض محالاً عدم حصول ذلك العنوان في المأمور به، فالعبرة في عباديّة العبادة أنّما هي بتلك الدّواعي.[6]

ایشان در اشکال بر این وجه می‌فرماید ما قطع به عدم آن داریم؛ زیرا ملاک در عبادیت این است که فعل با یکی از دواعی قریبی اتیان شود. پس اگر مکلف فعل را با این دواعی انجام ندهد، باطل است. وقتی به اخبار مراجعه می‌کنیم عبادیت را به این معنا می‌یابیم، اما اینکه برای اظهار عظمت مولا باشد دلیلی نداریم که اگر عبادت با این عنوان انجام شود، صحیح باشد.

جواب از اشکال محقق نائینی

ایشان این مطلب را از کدام اخبار استفاده کرده است؟ در اخبار چیزی به عنوان داعی امر وجود ندارد، بلکه دلالت دارد بر اینکه فعل را قرّبۀ إلی الله باید انجام داد و اظهار عظمت هم یکی از مصادیق قربت است.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1]. محمد فاضل موحدی لنکرانی، اصول فقه شیعه، محمود ملکی اصفهانی و سعید ملکی اصفهانی (قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۱)، ج 3، 351.
- [2]. که معقولیت آن هم مورد تردید است.
- [3]. همان، 352.
- [4]. محقق حائری شاگرد میرزا و مرحوم فشارکی بوده است.
- [5]. محمد حسین نائینی، فوائد الأصول، محمد علی کاظمی خراسانی (قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، 1376)، ج 1، 152-153.
- [6]. همان، 153.

منابع

- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. اصول فقه شیعه. محمود ملکی اصفهانی و سعید ملکی اصفهانی. 10 ج. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۱.
- نائینی، محمد حسین. فوائد الأصول. محمد علی کاظمی خراسانی. 4 ج. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، 1376.